

امنیت اجتماعی در منظومه فکری مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

علی پورننخی^۱، بهروز آزاد شهرکی^۲، حمید اثنی عشری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

چکیده

هدف و زمینه: وجود تنوع در تعاریف امنیت اجتماعی و تهدیدهای آن، بیانگر عدم وفاق درباره این موضوع است که بخشی از آن ناشی از تأثیرپذیری این دیدگاه‌ها از شرایط اجتماعی کشورهای مورد بررسی است. بنابراین گرچه توجه به دیدگاه‌های دیگران در پژوهشی علمی سودمند است، لکن برای کاربردی بودن آن‌ها باید شرایط کشور و آرای اندیشمندان داخلی و نگاهی بومی را مورد توجه قرار داد.

روش: در پژوهش حاضر بر مبنای این تفکر، دیدگاه یکی از متفکران مسلمان ایرانی یعنی حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره تهدیدهای امنیت اجتماعی که بسیار تحت تأثیر وضعیت بومی کشور است مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای بر اساس روش تحلیل محتوی است.

نتایج: بر اساس نتایج بررسی، تهدیدهای امنیت اجتماعی در ایران از دیدگاه رهبر شامل ایجاد فتنه و آشوب، تهدید و ارباب، تبلیغات سوء دشمنان، ایجاد شبهه در عقاید جوانان، ایجاد تفرقه مذهبی، دخالت دشمنان در امور داخلی کشور، فساد اخلاقی و مالی، تفرقه قومی، قانون شکنی، ناامنی محیط اجتماعی، شیوع مواد مخدر و اعتیاد در جامعه و عدم اشتغال جوانان است.

کلید واژه‌ها: امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، امنیت، پلیس، مقام معظم رهبری.

^۱ - کارشناس علوم انتظامی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان - ۰۹۱۳۱۹۶۹۹۰۷

^۲ - کارشناس علوم انتظامی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان - ۰۹۱۳۱۸۴۶۳۹۳

^۳ - عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان (نویسنده مسئول)،

مقدمه و بیان مسئله

مقوله نظم و امنیت اجتماعی نوعاً از مباحثی است که در طبقه بندی موضوعات جامعه شناختی، نقطه مقابل جامعه شناسی تغییرات اجتماعی و بویژه در تعارض با مباحث تغییرات عمیق و انقلابات اجتماعی است. گسترش دامنه مشترک پلیس با مردم موجب نوآوری، خلاقیت در نظام اجتماعی و انضباط در حوزه امنیت اجتماعی می‌شود. مشارکت پلیس بیگانگی اجتماعی را تقلیل می‌دهد و از ایجاد آثار منفی روحی روانی در مردم مانند بی‌اعتمادی، بی‌اعتنایی، تکروی، نداشتن تعاون و عدم تحرک در تأمین و برقراری امنیت جلوگیری می‌کند و در مقابل همبستگی، تعاون و وحدت ملی را در نظم و انضباط اجتماعی تقویت می‌کند و چنانچه نظام مشارکت پلیس در جامعه به درستی پایه گذاری شود، نتایج مثبت دیگری به دنبال دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به حاکمیت معنویت و اخلاق بر جامعه، افزایش بهره‌وری در کار، یگانگی بیشتر میان مردم و مواردی نظیر آن اشاره نمود. اگرچه یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تأمین امنیت اجتماعی در جوامع کمتر توسعه یافته، استفاده از عوامل قهرآمیز است؛ اما به تجربه ثابت شده است به رغم سریع الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن کم و ناچیز است. ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادینه کردن همبستگی و تعاون، آگاهی و اعتماد در یک جامعه و احساس مشارکت و مسئولیت عمومی در قبال امنیت اجتماعی حاصل می‌شود. از آنجا که سازمان پلیس گسترده‌ترین سازمان اجتماعی است که بیشترین قابلیت دسترسی را برای شهروندان دارد. بنابراین امنیت و احساس امنیت شهروندان در رابطه با حوادث و وقایع مختلف، به پلیس است. بر همین اساس، پلیس به عنوان ملجأ و پناهگاه مردم بایستی از ضریب اطمینان قابل قبولی برخوردار باشد تا قابلیت اتکاء اعتماد داشته باشد. اگرچه اعتماد به پلیس به طور خاص، تمامی زوایا و سطوح زندگی را تحت تأثیر قرار داده و به عنوان

یکی از پدیده‌های اجتماعی مطرح است اما خود نیز تحت تأثیر متقابل بسیاری از عوامل اجتماعی فراتر می‌گیرد که از میان آن‌ها می‌توان به نقش کنترل اجتماعی، بی‌هنجاری و امنیت اجتماعی اشاره کرد لذا یکی از پایه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت انتظامی است که بر عهده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نهاده شده است. ایران کشوری در حال توسعه است و احتمال آسیب پذیری امنیت ملی آن از طرف مسائل داخلی وجود دارد. از این رو، نیروی انتظامی، یکی از نهادهایی است که در نظم بخشیدن به امور داخلی می‌تواند نقش مهمی ایفا کند.

پیشینه و مبانی نظری

امنیت: به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بودن و رضایت و در مورد افراد به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها است (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۵: ۱۱۵). امنیت در اصل پدیده‌ای ادراکی و احساسی است یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده‌ی مردم، دولتمردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که ایمن لازم برای ادامه‌ی زندگی بدون دغدغه وجود دارد (خوش‌فر، ۱۳۸۶: ۹۶).

احساس امنیت: در واقع یک تولید اجتماعی است یعنی همه نهادهای اجتماعی در کل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند. با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از مردم - حاکمیت - پلیس و... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی دارند (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

تهدید: تهدید به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که اهداف و ارزش‌های حیاتی یک کشور را با هدف ایجاد تغییرات اساسی مورد هجوم قرار می‌دهد و غالباً نیز ریشه خارجی دارد (عباسی، ۱۳۹۰: ۵). تهدید نقطه مقابل امنیت قرار دارد. زمانی امنیت وجود دارد که

تهدید نباشد و بالعکس هرگاه تهدیدی احساس شود، امنیت رخت برمی بندد. در پژوهش حاضر، منظور تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری است که از سخنان ایشان استخراج می‌شود.

امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضای خود ایجاد می‌کند (رابینگتن و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳) به طور کلی، امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می‌شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه بوده و به نظام سیاسی و دولت مربوط می‌شوند. این قلمروها می‌توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد و غیره باشند. باری بوزان امنیت اجتماعی را توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و غیره در حفظ هستی و هویت خود دانسته است. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از تهدید هویت جمعی و گروهی تلقی کرده است (گروسی، ۵:۱۳۸۸)

۱-۱ **امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری:** وظیفه نیروی انتظامی، تأمین امنیت اجتماعی است. معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کار و زندگی خود، احساس خوف، تهدید و ناامنی نکنند. این مسأله، بسیار مهم است. خداوند متعال در مقام منت گذاردن بر قریش می‌فرماید: «فلیعبدوا رب هذا البيت. الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف» یعنی امنیت دادن را به عنوان یکی از دو نعمت مورد تأکید قرار می‌دهد (۱۳۷۹/۰۴/۲۹). امنیت اجتماعی یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی است که می‌توان آن را در یک شبکه علت و معلولی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. بدین لحاظ امنیت اجتماعی، به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است (نویدنیا، ۱۳۸۴: ۶). اصطلاح امنیت

اجتماعی را نخستین بار باری بوزان به کار برد. او امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط دانسته است (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴؛ به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۵: ۱۳۷). امنیت اجتماعی از نظر او به حفظ الگوها و ویژگی‌هایی ارجاع دارد که برمبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند. به بیان دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۱). به عقیده‌ی گیدنز امنیت اجتماعی شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۷۲). لات امنیت اجتماعی را حفظ جان، مال، ناموس و آبروی مردم و تأمین آرامش روحی و روانی آن‌ها تلقی می‌کند (لات، ۲۰۰۴؛ به نقل از نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۳۲). ویور نیز آن‌را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و متحمل تعریف می‌کند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۲). در مباحث پیرامون امنیت دو رهیافت عمده قابل تفکیک است: رویکرد سنتی که به ارزش‌های عینی توجه دارد و به رویکرد دولت محور و قدرت محور نیز مشهور و دیگری رویکرد مدرن که به ارزش‌های ذهنی معطوف است، به رهیافت جامعه محور و هویت محور مشهور است.

توانائی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات و نیز توانائی ارتقای وضعیت اجتماعی به سمت ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه است «امنیت اجتماعی را از یک منظر می‌توان به عنوان ایمنی خاص مردم تعبیر کرد». بر اساس یک نگاه، امنیت اجتماعی مفهومی ذهنی و تابعی از نحوه برداشت و قضاوت افراد جامعه است. ذهنی بودن این مفهوم به این معنی است که امنیت اجتماعی ما به ازایی بیرونی و مستقل از قضاوت و ارزیابی مردم جامعه ندارد که بتوان آن را ارزیابی

کرد بر اساس قضاوت در بعد عینی و ذهنی امنیت اجتماعی، ممکن است در قالب تفکیک بین امنیت و احساس امنیت نیز قابل بیان باشد. از این منظر مادام که ابعاد بیرونی و عینی امنیت عمومی تغییر نکرده‌اند، امنیت اجتماعی در سطح قبلی خود می‌باشد (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

امنیت اجتماعی از عوامل و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی جامعه ریشه می‌گیرد و بازتابی از شرایط افراد جامعه است. در جهان امروز با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تأثیر مستقیم آن بر کیفیت زندگی انسان، مسئله امنیت در تمامی ابعاد آن شامل سلامت جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن اهمیت ویژه‌ای یافته است، به گونه‌ای که هدف مشترک توسعه یک جامعه در تمامی سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، بهبود کیفیت زندگی و از جمله سلامتی انسان است. امروزه یکی از محورهای اساسی و مهم ارزیابی امنیت جوامع مختلف که نقش مهمی در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفاء می‌کند و تابعی از عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و... برخوردار است. عوامل اجتماعی بسیاری امروزه بر میزان سلامت اجتماعی افراد جامعه مؤثر می‌باشند که از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار برقراری امنیت اجتماعی در جامعه است. امنیت در جامعه یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرد و جامعه است، به طوری که فقدان آن پیامدهای ناگواری برای سلامتی آنان در پی دارد. مازلو در طبقه‌بندی هرم نیازهای اساسی انسان، نیاز به ایمنی را در رتبه دوم نیازهای ضروری قرار داده است (شیخی، ۱۳۹۰: ۳۹). دانشمندان بسیاری امنیت را به مثابه یکی از نیازهای اساسی انسان در نظر می‌گیرند (اوسلر، ۲۰۰۲؛ الدریچ، ۲۰۰۵ و کارینگ، ۱۹۸۷ به نقل از نیازی، ۱۳۹۰: ۱۳۲؛ گلزاری، ۱۳۸۵: ۸۵). انسان برای زندگی در جامعه و دستیابی به مراتب بالای رشد و توسعه، نیازمند برخورداری از امنیت و آرامش در جامعه است به

طوری که انسان‌هایی که از لحاظ فردی و اجتماعی احساس امنیت می‌کنند با آرامش خاطر اهداف خود را دنبال کرده و امکان موفقیت آن‌ها افزایش می‌یابد (چلبی، ۱۳۸۳: ۲۰). اما با رشد و نمو جرایم و انحرافات اجتماعی، زمینه‌های ناامنی و شکل‌گیری کجروی در سطح جامعه بیشترین دلهره را ایجاد می‌کند، که تهدیدی بر سلامتی جامعه به‌ویژه سلامت اجتماعی می‌باشد (شرافتی پور، ۱۳۸۵: ۱۱۹). امنیت اجتماعی به معنی حفظ سیستم اجتماعی است به گونه‌ای که اجتماع، خانواده و فرد در مقابل تهدیدها و ناهنجاری‌های اقتصادی - اجتماعی یا شخصی ایمن بوده و از سلامت زندگی خود اطمینان داشته باشد. چنانچه در جامعه امنیت اجتماعی برقرار گردد، امید و اطمینان خاطر افراد به آینده افزایش می‌یابد و میل به رشد و تکامل و حصول به یک زندگی سالم در دل آن‌ها بارور می‌شود (رسولی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). فقدان سلامت اجتماعی، حاصل عدم جذب افراد در چارچوب‌های اجتماعی و در نتیجه عدم جامعه‌پذیری صحیح آن‌هاست. بنابراین سلامت اجتماعی عامل مهمی در کنترل آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و حفظ نظم اجتماعی و در نهایت تأمین امنیت اجتماعی است (سام‌آرا، ۱۳۸۸: ۱۰). از سوی دیگر ناامنی اجتماعی نیز تأثیر مطلوبی بر سلامت اجتماعی جامعه دارد. ناامنی می‌تواند فراتر از زندگی قربانیان آن، بر آن‌هایی که تجربه غیرمستقیمی از جرم داشته‌اند نیز تأثیر گذارد. ناامنی می‌تواند فضایی از بی‌نظمی را ایجاد کند که در آن، شهروندان قادر به اعمال کنترل غیررسمی بر اجتماع خود نیستند و بنابراین ترس منجر به افت روحیه در جامعه می‌شود (صدیق‌سروستانی، ۱۳۸۵: ۲۰). ترس و ناامنی در طی زمان، تأثیرات مخرب و منفی بر کیفیت زندگی دارد و منجر به مراقبت و محافظت غیر ضروری مردم از خودشان می‌شود. آن‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی باز می‌دارد و میزان بی‌اعتمادی را در جامعه افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که رابطه دوسویه‌ای بین سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی در جامعه وجود دارد. جوانان به‌عنوان

یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند سلامتی این قشر ارتباط تنگاتنگی با برقراری سلامت به خصوص سلامت اجتماعی در جامعه دارد، به گونه‌ای که جوانان سالم محور توسعه جامعه می‌باشند و تأثیر تعیین کننده‌ای در توسعه و پیشرفت آینده جامعه دارند. عنصر مهم و اساسی در این فرآیند برقراری امنیت اجتماعی در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و گروه‌ها است. در رسیدن به این امر خانواده در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی نقش و اهمیتی بسزایی دارد. چنان‌که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند اگر از خانواده‌ای سالم برخوردار نباشد و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای امنیت کند، اگر خانواده از امنیت بهره‌مند نباشد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱). از طرفی برخورداری جوانان از سلامت اجتماعی آن‌ها را در برابر مشکلات اجتماعی مصون می‌سازد و به راحتی می‌توانند با شرایط متغیر زندگی امروز انطباق یابند، هم‌چنین افزایش سلامت اجتماعی جوانان در جامعه باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود که در نهایت منجر به عملکرد بهتر فرد در جامعه می‌شود.

مبانی نظری

قدمت اندیشه درباره امنیت به آغاز حیات بشری و زیست اجتماعی او باز می‌گردد. در عین حال، مجادلات درباره امنیت از پایان جنگ جهانی دوم به بعد به مجامع آکادمی راه پیدا کرد. با گذشت بیش از شش دهه از مناظرات در باب این مفهوم، همچنان عدم اتفاق نظر بین محققان در چیستی آن، نظر مشترک این تلاش‌های فکری است. تریف و همکارانش معتقدند فقدان تعریف واحد و پذیرفته شده برای امنیت و وجود رویکردهای نظری گوناگون برای بررسی آن، این پرسش را مطرح می‌سازد که هرکس چگونه امنیت را تعریف می‌کند. به زعم مورگنتا، این پرسش پاسخ آسانی ندارد. هنگام ارائه تعریف، برخی

چیزها را در دل تعریف می‌گنجانیم و چیزهای دیگر را کنار می‌گذاریم. مطالعات محققان اخیر بر این نکته اساسی تأکید دارد که مفهوم امنیت نباید صرفاً به حوزه مسائل و تهدیدهای نظامی محدود شود. امنیت معنای عام‌تری دارد که نه فقط می‌توان آن را در عرصه نظامی به کار بست، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی نیز قابلیت کاربرد دارد (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۴). بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس، که هم‌اکنون مرجع کلاسیک در مجامع آکادمی به شمار می‌آید، امنیت اجتماعات انسانی را تحت تأثیر عواملی در پنج بخش عمده قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). نکته قابل توجه در دیدگاه بوزان این است که این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند، به طور اجتناب‌ناپذیری به هم وابسته‌اند و به صورت‌های مختلف با هم تداخل دارند (شیهان، ۱۳۸۸: ۶۸) اوج این رویکرد و تنوع بخشی به ابعاد امنیت را می‌توان در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره از سوی سازمان ملل و گزارش برنامه عمران ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ مشاهده کرد که در آن‌ها مفهوم وسیع و گسترده امنیت انسانی مورد توجه قرار گرفت. در سند ۱۹۹۴ برنامه توسعه ملل متحد، امنیت انسانی وضعیتی تعریف می‌شود که در آن مردم از قید و بندها و فشارهای روحی و روانی که مانع رشد انسان می‌شود، آزاد و رها می‌گردند. امنیت انسانی عبارت است از: ایمنی از تهدیدهای مزمن و دیرپا چون گرسنگی، بیماری و سرکوب و در امان بودن از برهم خوردن ناگهانی و زیان آور الگوهای روزمره زندگی. در این برنامه، تأمین امنیت انسانی مستلزم رویکردی هفت بعدی است که در آن ابعاد اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی، شخصی، اجتماعی و سیاسی امنیت مورد توجه قرار می‌گیرد. (شیهان، ۱۳۸۸: صص ۱۴۱-۱۴۲).

شاخصه‌های امنیت اجتماعی

برقراری امنیت: به طور طبیعی از عواملی که در نظم اجتماعی و تبعیت از هنجارها و قواعد اجتماعی اثرگذار است، وجود امنیت اجتماعی و فراگیری آن است. امنیت از عناصر بسیار مهم اجتماعی است که خواسته و نیاز اولیه هر شهروندی را تشکیل می‌دهد بدون امنیت تعاملات مختلف اجتماعی سمت و سوی دیگری به خود خواهد گرفت. برقراری امنیت خود پیش نیازهایی دارد که بدون وجود آنها امنیت برقرار نمی‌شود از جمله این پیش نیازها اقتدار و مشروعیت حاکمیت است. در کنار این عنصر، قدرت بر اجرا نیز اهمیت خاص خود را دارد. بنابراین، حاکمیت باید از همه امکانات مجاز برای کسب قدرت لازم و اجرای آن در راستای ایجاد امنیت استفاده تام را ببرد.

برقراری امنیت هم در جهت مراقبت از جان، مال، ناموس و آبروی انسان هاست و همه موارد را شامل می‌شود؛ از جمله برخورد با سارقان و همه کسانی که به هر شکل در برهم نظم عمومی اقدام می‌کنند و...

۱-۲ ضرورت قانون: تاریخ حیات آدمی، به خوبی گویای آن است که انسان همواره به صورت تجمعی زیست کرده است و روشنی این مدعا ما را از هرگونه برهان عقلی و دلیل تجربی بی‌نیاز می‌کند. اگر سوال و ابهامی وجود دارد، در چند و چون این نوع زندگی و پراکندگی آن و پرسش‌هایی از این قبیل است. اسناد و مدارک تاریخی نشان می‌دهد که هر وقت و هر کجا که انسان بوده، به صورت اجتماعی زندگی کرده است. بوده که هم با ویژگی‌های زیستی انسان هم سو است و هم با خانواده. با توجه به ویژگی‌های زیست شناختی و آثار یافت شده و همچنین آیات شریف قرآن کریم، اولین واحد اجتماعی ویژگی‌های روحانی و فطری او با پیدایش خانواده که همزمان با خلقت بشر است، نیاز انسان‌ها به یکدیگر نمودار شد. این نیازها متعدد هستند و روشنترین و

ابتدایی‌ترین آن‌ها نیا جنسی دو جنس مخالف - مذکر و مونث - به یکدیگر است. لازمه تأمین این نیازها و پاسخ به هریک، آن است که تعاملی بین انسان‌ها صورت بگیرد. برقراری تعامل بین انسان‌ها خود تبعاتی به دنبال دارد. انسان‌ها همواره به دنبال آن بوده‌اند که بیشترین بهره‌وری را از غیر خودی داشته باشند؛ خواه از طبیعت و یا از انسان‌های دیگر. توسعه و افزایش بهره‌وری، بهره‌کشی و استثمار انسان‌های دیگر را باعث می‌شد تا آنجا که ممکن است به نظم درآید. در اینجاست که وجود قانون ضرورت پیدا می‌کند. قوانین به هر شکل که باشند، به تنظیم رفتار شهروندان می‌پردازند و از هرج و مرج جلوگیری می‌کند.

۳-۱ عدالت اجتماعی: از اهداف بعثت انبیای الهی برقراری عدل و توسعه آن است.

عدالت در همه زمینه‌ها جاری و ساری است. هیچ زمینه‌ای نیست که عدالت در آن راه نداشته باشد. عدالت سطوح مختلفی دارد. مهم‌ترین سطح آن در پهنه و عرصه اجتماعی است. وقتی عدالت در جامعه برقرار باشد و امتیازهای اجتماعی عادلانه توزیع گردد، هرکس این امکان برایش فراهم می‌شود که از فرصت‌های اجتماعی بهره‌بردارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۱۴)

اگر جامعه‌ای به لحاظ ساختاری در برگیرنده عدالت اجتماعی باشد و همگان بتوانند از فرصت‌ها و امکانات اجتماعی به شکل عادلانه بهره‌مند شوند و به کمک آن امکانات به اهداف خود برسند، دیگر دلیلی برای آن نمی‌ماند که راه‌های میانه را انتخاب کنند و به سوی انتخاب‌های فردی روی آورند. در چنین جامعه‌ای بستر برای ظلم و نادیده گرفتن حقوق مهیا و فراهم نیست و هیچ کس نمی‌تواند برخلاف اصول هنجاری جامعه حرکت کند. (طوسی، ج ۶: ۱۸۰).

روش شناسی

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. روش به کار رفته در این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای بوده و با مراجعه به اسناد، کتب، نشریات و بررسی چند مورد برگزیده از پایگاه‌های اینترنتی به خصوص سایت مقام معظم رهبری و ناجا فیش برداری انجام پذیرفته و در پایان با استفاده از روش تحلیل محتوی به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته شده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا سخنان مرتبط با تهدیدهای امنیت اجتماعی به طور خلاصه و با ذکر تاریخ سخنرانی بیان می‌شود. سپس سخنان به صورت جملات کوتاه و با دسته بندی در قالب شاخص‌های مربوط به تهدیدهای امنیت اجتماعی بیان می‌شود. بخشی از سخنان مقام معظم رهبری به عوامل بروز ناامنی و تهدیدهای امنیت اجتماعی و لزوم برخورد با این عوامل اختصاص دارد که در سطور زیر بیان شده است:

۱-۴ عوامل مؤثر بر بروز ناامنی اجتماعی

در همه جوامع انسانی و در میان همه اقشار در دوران‌های مختلف، انسان‌هایی هستند که با قانون شکنی، هنجارشکنی، با ترجیح خواسته‌های شریانه خود بر خواسته‌های دیگران، موجبات ناامنی را در جامعه فراهم می‌کنند (۱۳۸۶/۰۸/۱۶)

جمعی از اشرار با کمک و همراهی برخی از گروهک‌های سیاسی ورشکسته و با تشویق و پشتیبانی دشمنان خارجی در سطح تهران، به فساد و تخریب اموال، و ارباب و عریده جویی پرداخته و موجب سلب امنیت و آسایش مردم شده اند (۱۳۷۸/۰۴/۲۲)

آنهایی که امنیت مردم را مختل می‌کنند، آدم‌های ضعیفی نیستند، بلکه قداره بندها، اسلحه کش‌ها و تروریست‌ها هستند. کسانی هستند که از تاریکی شب و خواب و غفلت مردم، برای ضربه به زندگی آن‌ها استفاده می‌کنند. چه آن کسی که قفل خانه و دکان مردم را به قصد دزدی باز می‌کند، چه آن کسی که در کوچه و خیابان به تهدید ناموس مردم می‌پردازد و آن‌ها را به حال خود نمی‌گذارد، و چه آن کسی که جان مردم را تهدید می‌کند، در ایجاد فضای ناامنی دخیل‌اند (۱۳۷۳/۰۴/۲۹)

آن کسانی که خواستند خاطر مردم را مغشوش، ذهن مردم را خراب و امنیت مردم را به هم بزنند، به خیال خود خواستند مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند و صفوف را از هم جدا کنند. این‌ها به مردم خیانت کردند، به انقلاب و به کشور خیانت کردند و البته باید در چارچوب قانون با این‌ها رفتار شود (۱۳۷۶/۰۹/۰۵)

.... در برخی از روزنامه‌ها..... تیتروهای انتخاب و درج می‌شد که معنایش تشویق به ناامنی و لازمه واضح و روشن آن، ناتوانی دستگاه در استقرار امنیت بود. چه دشنامی از این بالاتر؟ چه ضربه‌ای از این بدتر و ناجوانمردانه‌تر؟ این خودش عامل ناامنی می‌شود. (۱۳۷۹/۱۱/۲۵)

آن قلمی که برمی‌دارد بیست سال تلاش و مجاهدت مظلومانه و فداکارانه‌ی این ملت را در مقابله با قدرت‌های زورگوی چپاولگر دشمن ظالم انکار می‌کند، امنیت سیاسی کشور را به هم می‌زند و ناامنی فکری ایجاد می‌کند (۱۳۷۸/۰۶/۱۰)

در سطح جامعه، تشنج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی است که دشمن می‌خواهد. دشمن می‌خواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهم است. دشمنان امنیت مردم، دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد. (۱۳۸۸/۰۹/۲۲)

دشمن هر جا بتواند، ایجاد ناامنی می‌کند. هر وقت دشمن بتواند، ناامنی نظامی و انتظامی را بر این ملت تحمیل می‌کند؛ کما اینکه دیدید یک بهانه کوچک یافتند و یا درست کردند و در همین ایام تیرماه، در تهران ایجاد ناامنی کردند. یا بهانه را خودشان درست می‌کنند، یا اگر فرض کنیم بهانه را آن‌ها درست نمی‌کنند، بهانه کوچکی می‌یابند تا ایجاد ناامنی کنند؛ به خیابان‌ها بیایند، شیشه بشکنند، مغازه آتش بزنند، ماشین آتش بزنند و مردم را تهدید کنند بنابراین، دشمن از ایجاد ناامنی مأیوس و منصرف نیست. (۱۳۷۸/۰۶/۱۰)

... فکر می‌کردند حداقل نتیجه‌ای که پیش می‌آید، این است که امنیت عمومی و اجتماعی مردم از بین می‌رود. این حداقل فایده‌ای بود که به دشمن می‌رسید. به عنوان مثال همین اغتشاشات.... که عده‌ای به خیابان‌ها آمدند و آتش زدند و دکان‌ها را شکستند و بانک‌ها را دستبرد زدند و تخریب کردند. (۱۳۷۸/۰۵/۰۸)

یکی از هدف‌های دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی بکند. حالت ناامنی واقعاً در جامعه چیز بدی است، باید با آن مبارزه کرد. (۱۳۷۹/۰۵/۰۳)

(دشمنان) می‌خواهند کاری کنند که یک انسان در جامعه، بر مال و فرزند و جوان و بر تحصیل و ادامه راه خود به سوی آرمان‌هایی که هر شخصی دارد، هیچ‌گونه امنیت و تضمینی نداشته باشد. (۱۳۸۲/۰۴/۰۷)

ما جزو کشورهایی هستیم که به توفیق پروردگار بیشترین امنیت اجتماعی و مدنی را داشته ایم. سالهاست که آحاد مردم با آرامش و همبستگی در امنیت زندگی می‌کنند. می‌خواهند این را از بین ببرند؛ می‌خواهند کاری کنند که یک انسان در جامعه، بر مال و فرزند و جوان و بر تحصیل و ادامه راه خود به سوی آرمان‌هایی که هر شخصی دارد، هیچ‌گونه امنیت و تضمینی نداشته باشد... امروز هم به بهانه‌ی دروغین و مزورانه مطالبه‌ی آزادی‌های مدنی، می‌خواهند امنیت مدنی و اجتماعی را از بین ببرند. (۱۳۸۲/۰۴/۰۷) امروز

دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده اند؛... علاوه بر امنیت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدت کار می‌کند.... و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد در آن اختلالاتی ایجاد نماید، امروز در صدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد. (۱۳۸۲/۰۴/۰۷)

دشمن ممکن است از لحاظ نظامی هم نتواند کار کند، امیدی هم نداشته باشد، اما از لحاظ فرهنگی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ امنیتی، از جاسوس پروری، از رخنه در اعتقادات و ایمان راسخ مردان و زنان مؤمن این مرزوبوم ممکن است بخواهد وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف شوم خودش پیدا کند. این، امنیت ما را تهدید می‌کند. (۱۳۸۸/۰۲/۲۴)

دشمن از راه‌های مختلف توطئه می‌کند؛ یکی از راه‌ها، اختلاف افکنی است. هر گونه اختلافی، هر جا که باشد، بر خلاف نظر اسلام و قرآن است؛ چه اختلافات سیاسی باشد، چه اختلافات قبیله‌ای باشد.... این کار شیطان است که بین ما اختلاف بیندازد. (۱۳۷۰/۰۵/۳۰)

۱-۵ لزوم برخورد با ناامن سازان جامعه

تأکید ویژه اینجانب بر مقابله جدی با ناامن کنندگان شهر و روستا و آلوده سازان معابر شهری و بیابانی، به خصوص در نقاط مجاور مرز، برخورد قاطع با عاملان سرقت و ناامنی اجتماعی و شیوع مواد مخدر است. (۱۳۷۹/۰۴/۰۷)

مراکزی که دشمن جمهوری اسلامی و ملت ایران‌اند، دوست دارند در میان کشور و بین مردم ما ناامنی، هرج و مرج، بی نظمی و بی انضباطی وجود داشته باشد. در این مواقع، نیرویی که موظف به ایجاد نظم و استقرار امنیت است، باید با حساسیت بیشتری کار خود را دنبال کند.

این هم به عهده دستگاه‌های انتظامی و قضایی است که با این اراذل و اوباش و ناامن سازان محیط زندگی و کار مردم برخورد کنند، تا کسانی که به صرف این که یک وسیله

برنده و یک حربه به دست می‌آورند، خیال نکنند که حق دارند هر غلطی و هر عمل نادرستی را انجام بدهند. (۱۳۷۹/۰۱/۰۶)

کسی که موجد ناامنی است، فرق نمی‌کند هر که می‌خواهد باشد... اگر عامل ناامنی است، باید دستگاهی که مربوط به اوست او را دنبال بکنند و تا آخر پیگیری کند. (۱۳۷۹/۱۱/۲۵)

در همه جوامع بشری آن طوری که در طول تاریخ مشاهده کردیم، امروز هم در همه دنیا مشاهده می‌کنیم... زورگیری هست، اغتشاش هست، دزدی هست، ایجاد فساد هست، ایذاء مردم هست، تجاوز به حقوق مردم هست، تجاوز به امنیت مردم هست، چه کسی باید جلوی این‌ها را بگیرد؟ نیروی انتظامی (۱۳۸۹/۰۲/۰۵)

دستگاه‌های مسئول حکومتی موظف‌اند در هر یک از قوای سه گانه برابر مسئولیت‌های خود با دشمنان امنیت و وحدت کشور با قاطعیت و جدیت مقابله کنند و فتنه گران را به سزای اعمال خود برسانند. (۱۳۸۹/۰۴/۳۰)

آنچه که امروز آمریکایی‌ها از خود بروز می‌دهند، همان چیزی است که در طول بیست و هفت سال نسبت به ملت ایران، همیشه در ذهن شان بوده است. ابزارشان هم عبارت است از تهدید، ارباب، تبلیغات جنگ روانی، دلسرد کردن مردم، نومی کردن مردم، ایجاد دودستگی و تحریک عصبیت‌ها... برای اینکه در مردم احساس عدم امنیت به وجود آورند... (۱۳۸۵/۰۱/۰۱)

چنانچه در بخش روش نیز بیان گردید، سخنان مقام معظم رهبری درباره تهدیدهای امنیت اجتماعی که بخشی از آن‌ها در سطور بالا به صورت خلاصه ذکر شد، در قالب شاخص‌هایی آماده گردید که شامل چندجمله برای تأیید آن است.

بعضی از ما غفلت می‌کنیم از اینکه ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای اینکه ما را مشغول به خودمان کند. غفلت می‌کنیم؛ همه همت یک شیعه می‌شود کوبیدن سنی، همه همت یک سنی می‌شود کوبیدن شیعه. خوب، این خیلی تأسف آور است و دشمن این را می‌خواهد. خط قرمز این است که نباید مطلقاً بین این‌ها به دلیل اهانت به مقدسات - چه آنچه که از سوی بعضی از افراد شیعه از روی غفلت صادر می‌شود، چه آنچه که از روی غفلت از بعضی از افراد سنی مثل سلفی‌ها و امثال این‌ها صادر می‌شود که یکدیگر را نفی می‌کنند - چیزی بیان شود. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتند، با هم دشمنی نکنند. لازم است علما و معتمدان اهل تسنن در آن استان (زاهدان) مواضع قاطع خود را در بیزاری از مفسدانی که به نام دفاع از اهل سنت دست به چنین جنایاتی می‌زنند. صریحاً ابراز نموده مردم را از مکر دشمن آگاه سازند.....

از اول انقلاب سعی کردند به بهانه قومیت، به بهانه مذهب، به بهانه اختلافات سیاسی بین آحاد ملت عظیم ایران اختلاف بیندازند....

امنیت اخلاقی یعنی اینکه وقتی شما پسر یا دختر جوانتان را از خانه می‌فرستید بیرون برای اینکه برود در دانشگاه یا در دبیرستان درس بخواند یا در یک مرکزی کار کند، خاطرتان جمع باشد که این دختر یا این پسر دچار اعتیاد نمی‌شود یا دچار انحراف اخلاقی نمی‌شود، این‌ها خیلی مهم است.

همین مسأله‌ی فسادهای مالی و اخلاقی و ارتشاء و تزویر و امثال این‌ها، چیزهایی است که بخصوص از مردم سلب امنیت می‌کند و واقعاً در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرند.

اگر با فقر و فساد و تبعیض در کشور مبارزه شود، اصلاحات به معنای حقیقی، انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. مشکلات ما از این سه پایه شوم و از این سه عنصر مخرب

اس. ناامنی هم که داریم، به خاطر همین است. بسیاری از ناامنی، به خاطر فقر است و بسیاری به خاطر فساد است.

دشمنان نظام جمهوری اسلامی یقیناً به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از دو سه راه اصلی برای به زانو درآوردن ملت ایران، شکستن مرزهای اخلاقی و ترویج مفاسد اخلاقی و ببند و باری اخلاقی در داخل کشور است. عرض کردم، این اطلاع است، تحلیل نیست.

این امنیت هم شعبی دارد؛ امنیت در محل کسب، امنیت در محیط زندگی و خانواده، امنیت اخلاقی، امنیت اقتصادی؛ شیطان‌ها در شکل‌های مختلف ایجاد شر و فساد می‌کنند. وقتی اشتغال نباشد یا کم باشد - در جامعه بیکاری باشد - این خودش یکی از عوامل ناامنی است

اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات نبود؛ اگر انسانی که می‌خواهد در جامعه کار کند، دست و پایش را بستند و برای تلاش کردن، به او فرصت ندادند، اینها فساد است و باید اصلاح شود....

نظام اسلامی با اخلاک‌گرا در امنیت مردم طبعاً برخورد می‌کند. این، وظیفه نظام است. نظام اسلامی اجازه نمی‌دهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوان‌های مردم را تهدید کنند.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری یکی از شاخص‌های مهم که تأثیر بسیاری بر زوال امنیت اجتماعی دارد، تفرقه مذهبی است که باعث می‌شود گروه‌های اجتماعی احساس ناامنی کنند و بین پیروان مذاهب مختلف درگیری به وجود آید. از بین سخنان مقام معظم رهبری دوازده مطلب به طور مستقیم مرتبط با این موضوع است و ایشان مکرر درباره عدم تفرقه مذهبی بین شیعه و سنی صحبت کرده و اختلاف مذاهب را نقشه دشمنان دانسته است. ایشان اهانت به مقدسات شیعه و سنی را از طرف هر کدام از گروه‌ها خط قرمز نظام

دانسته‌اند و افرادی را که به این اقدامات دست می‌زنند، حتی روحانیون و علمای دو فرقه که در این راستا گام برمی‌دارند، نادان و غافل، مزدور ناخواسته دشمنان و حتی گاهی اوقات مأمور دشمن دانسته است. خطاب مقام معظم رهبری هم به شیعیان است و هم افراد سنی مذهب، و رفتار هر دو گروه را در این زمینه حرام شرعی و خلاف قانون دانسته است و آن‌ها را به رفتار برادروار، دست در دست یکدیگر در جهت اهداف و آرمان‌های بلند اسلامی فراخوانده است. معظم له ایجاد واگرایی در خصوص عقاید اسلامی، اختلاف‌های مذهبی و اختلاف‌های بین شیعه و سنی را کار دستگاه عظیم استخبار دانسته است که اگر دستش برسد بانفوذ در متن مسئولین بالای نظام این کار را می‌کند. با توجه به تعریف مقام معظم رهبری درباره امنیت اجتماعی، یکی از تهدیدهای امنیت اجتماعی می‌تواند فساد اخلاقی و مالی باشد که احساس امنیت اجتماعی افراد را از بین ببرد و به ناامنی تبدیل نماید. با این دیدگاه نبود امنیت اخلاقی برای جوانان، دچار اعتیاد یا انحراف اخلاقی شدن جوانان و نابودی مرزهای اخلاقی و ترویج مفاسد اخلاقی و بی بند و باری که عمدتاً از سوی دشمنان جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، تهدید امنیت اجتماعی محسوب می‌گردد. علاوه بر این، ایشان وجود فسادهای مالی، رشوه، فقر، فساد و تبعیض را نیز از عوامل بروز ناامنی دانسته‌اند. در دیدگاه مقام معظم رهبری، بیکاری و عدم امنیت شغلی می‌تواند موجب بروز فساد و ناامنی شود که البته این دیدگاه در نظریه‌های غربی امنیت اجتماعی نیز مورد توجه بوده و به عنوان یکی از شاخص‌های تهدید امنیت اجتماعی در نظر گرفته شده است. تبلیغات سوء که افکار عمومی را مغشوش می‌کند یا مردم را به تأمین امنیت توسط دستگاه حاکم ناامید می‌نماید و پنخس شایعات و زشتی‌ها به ویژه اگر از سوی مسئولین نیز تقویت شود، موجب کاهش امنیت اجتماعی و آرامش مردم می‌شود که در پژوهش حاضر به عنوان شاخص تهدید امنیت اجتماعی مطرح شده است. اعتیاد و رواج

مواد مخدر در جامعه و تهدید جوانان توسط این مواد از پدیده‌هایی است که امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند و موجب ناامنی می‌شود و از این رو به یکی از شاخص‌های تهدید امنیت اجتماعی مطرح شده است. تهدید و ارباب مردم یکی دیگر از شاخص‌های تهدید امنیت اجتماعی است که مورد توجه مقام معظم رهبری قرار گرفته است. برخورد در چارچوب قانون با تهدیدکنندگان امنیت مردم اعم از اشرار و گروهک‌های سیاسی ورشکسته و ارازل و اوباش یا کسانی که برای ایجاد تفرقه میان مردم تلاش می‌کنند یا کسانی که با تهدید ناموس و تهدید جان مردم ناامنی ایجاد می‌کنند، ضرورت دارد. دخالت دشمنان برای ایجاد ناامنی در جامعه چه به طور مستقیم و چه به وسیله ستون پنجم و اقداماتی از جمله ایجاد بدبینی به هویت ملی و مذهبی و تاریخی، ایجاد اختلاف‌های مذهبی و سوق دادن جوانان به مواد مخدر و آسیب پذیر کردن آن‌ها و سازماندهی پشت صحنه مفاسد اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و تحریک احساسات مردم مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده و در بررسی حاضر به عنوان یکی از شاخص‌های ناامنی اجتماعی ذکر شده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف منظومه فکری و دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تهدیدهای امنیت اجتماعی و مراجعه به همه سخنان معظم له درباره امنیت و امنیت اجتماعی انجام گردید. بعد از بررسی نظریه‌های غربی مشخص گردید که تعاریف، تهدیدها و نظرها درباره امنیت اجتماعی، متعدد و تحت تأثیر شرایط اجتماعی-سیاسی جوامع مورد بررسی است. ولی آرای مقام معظم تحت تأثیر شرایط جامعه ایرانی و با اشراف کامل به موضوعات مرتبط است. تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری شامل ایجاد فتنه و آشوب، تهدید و ارباب، تبلیغات سوء دشمنان، ایجاد شبهه در عقاید جوانان، ایجاد تفرقه مذهبی،

دخالت دشمنان در امور داخلی کشور، فساد اخلاقی و مالی، تفرقه قومی، قانون شکنی، ناامنی محیط اجتماعی، شیوع مواد مخدر و اعتیاد در جامعه و عدم اشتغال جوانان است که هر کدام می‌توانند موجب بروز ناامنی اجتماعی شوند. تفرقه قومی و اختلاف بین اقوام از معیارهای علمی مشخص و تأیید شده تهدیدهای امنیت اجتماعی است که مقام معظم رهبری نیز در سخنرانی‌های متعدد درباره آن سخن گفته و آن را نقشه دشمنان از اول انقلاب تاکنون دانسته‌اند. ایشان این گونه اختلاف‌ها را بر خلاف نظر اسلام و قرآن دانسته و بر علما لازم دانسته‌اند که همگان را ازای نیت دشمنان مطلع کنند و از واکنش‌های سنجیده عصبی که موجب افزایش ناامنی اجتماعی می‌شود، جلوگیری نمایند. در مقایسه یافته‌های فوق با دیدگاه‌های غربی می‌توان گفت بر خلاف نظریه‌های علمی رایج که امنیت اجتماعی را شناسایی، حفظ و ارتقای هویت و ارزش‌های بنیادین گروه‌های اجتماعی می‌دانند، مقام معظم رهبری امنیت اجتماعی را عدم احساس خوف، تهدید و ناامنی مردم در محیط کار و زندگی دانسته و مرجعان را آحاد مردم با هرگرایش و سلیقه‌ای، حاکمیت و نهادهای اجتماعی می‌دانند. مقام معظم رهبری تولید و حفظ امنیت اجتماعی را وظیفه یک دستگاه یا سازمان نمی‌دانند، بلکه آن را برآیند فعالیت مشترک همه نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند. بنابراین برای تأمین آن همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها حتی اعضای خانواده‌ها باید دخیل باشند، احساس تکلیف کنند و نقش خود را بشناسند و به آن عمل کنند، در حالی که بر اساس نظریه‌های غربی، در درجه اول حاکمیت باید مسئول امنیت اجتماعی گروه‌ها باشد و بعد از آن خود گروه‌ها باید در حفظ هویت خود در مقابل سایر گروه‌ها تلاش کنند. ایشان در عین حال که احترام به صاحبان مذاهب و ادیان مختلف به ویژه شیعه و سنی را توصیه کرده‌اند، هر کدام را به حفظ ارزش‌های دینی خود تشویق می‌نمایند و از آن‌ها می‌خواهند که با همکاری، وحدت و همزیستی مسالمت آمیز

در کنار یکدیگر زندگی کنند و در خصوص خیرات و نیکوکاری‌ها رقابت داشته باشند، در حالی که در نظریه‌های غربی همکاری و وحدت این گونه گروه‌ها نه تنها توصیه نمی‌شود، بلکه هر گروه باید به فکر دفاع از هویت خود در مقابل تهاجم سایر هویت‌ها باشد و هر کدام از گروه‌ها و اقلیت‌ها در فکر ادغام سایر هویت‌ها در هویت خود هستند. در دیدگاهی کلی می‌توان گفت مفاهیم امنیت اجتماعی موجود، چندان با ایران تطبیق پذیر نیست و باید بازسازی و بومی سازی شود. بحث مورد نظر رهبر درباره امنیت اجتماعی جامع است، زیرا علاوه بر هویت، نهادها و حاکمیت را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. می‌توان گفت هر چیزی که به صورت بالقوه و بالفعل بازیگران امنیت اجتماعی را مستعد تخریب، شکست و به نوعی تزلزل کند، تهدید امنیت اجتماعی محسوب می‌شود. ابزار و شیوه‌های تأمین امنیت اجتماعی از دیدگاه رهبری به صورت انتزاعی در سه وجه نرم، وجه نیمه سخت و وجه سخت قابل تقسیم است و به اعتقاد ایشان امر به معروف و نهی از منکر از پایه‌های مهم امنیت اجتماعی است.

منابع

- بوزان، باری. (۱۳۸۷)؛ مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تریف، تری و دیگران. (۱۳۸۳)؛ مطالعات امنیت نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۱)؛ درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی تهران: مؤسسه کیهان.
- شایگان، فریبا. (۱۳۹۱)؛ امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری سازمان مطالعات و تحقیقات نیروی انتظامی.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)؛ امنیت بین الملل، ترجمه جلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)؛ تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج ۲، ص ۴۱۴، قم، جامعه مدرسین.
- عباسی، حسن. (۱۳۹۰)؛ حکومت نرم و دکترین اقدام نامتقارن در جهاد نرم سایت مرکز بررسی‌های دکترین امنیت بدون مرز، تهران: انتشارات امام عصر (عج). قرآن کریم.
- گروسی، سعیده. (۱۳۸۸)؛ بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات صدا و سیما.
- گروه پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی. (۱۳۸۹)؛ طرح جامع مطالعات امنیت اجتماعی تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ویژگی‌های پلیس اسلامی از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا. (۱۳۸۴)؛ معاونت سیاسی ناجا.
- هاشمیان فر، سیدعلی. (۱۳۸۸)؛ امنیت در اسلام تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۹۰)؛ امنیت اجتماعی، تهران: مطالعات راهبردی.